

## تغییر موضع در اتاق خبر:

تجربه آمریکا در مورد «روزنامه‌نگاری عمومی»

نوشته تئودور ال. گلاسر و، فرانکیس ال. اف. لی  
ترجمه علی اصغرکیا

«روزنامه‌نگاری» عمومی یا «مدنی» مفهومی از یک اصلاح سازمان یافته را در بردارد که هدف آن ایجاد تغییر مثبت در تعهد مطبوعات آمریکا نسبت به استفاده از اصول ایده‌آل مشارکت دموکراتیک است. این اصطلاح در بردارنده یک دیدگاه جدید همراه با استدلال نسبت به روزنامه‌نگاری سیاسی است. یعنی مجموعه‌ای از سیاست‌ها و طرح‌های غیررسمی که روزن (۲: ۱۹۹۵ b) به آنها روح داده است. او به عنوان یکی از معماران اصلی آن، این مجموعه را عاملی برای روزنامه‌نگاری عمومی کلیدی می‌داند اما این موضوع را چندان جدی نگرفته است. اگر در زندگی عمومی، روح زندگی بمیرد، دیگر روزنامه‌نگاری با ارزش نیست: این گفته، ریشه در نوعی نگرانی دارد نسبت به آنچه که تعدادی از مفسران در ایالات متحده آن را نوعی «حالت بدنام‌کننده گفت‌وگویی موقت دموکراتیک» (یست ۶۵۴: ۱۹۹۳) می‌دانند. روزنامه‌نگاری عمومی متکی به یک مفهوم ساده و در عین حال بحث برانگیز است، یعنی هدف مطبوعات پیشرفت و در واقع توسعه است نه این‌که فقط منحصرأ گزارشی از زندگی عمومی باشد یا از کیفیت این نوع زندگی مدنی انتقاد کند.

در پی تلاش آگاهانه برای شرکت روزنامه‌نگاران در بحث پیرامون گسترش هر چه بیشتر مشارکت شهروندان در امور جامعه، اظهارات جدیدی نسبت به روزنامه‌نگاری عمومی در

سال ۱۹۸۹ مطرح شد. یعنی وقتی که روزن و سپس عضو ارشد دانشکده روزنامه‌نگاری در دانشگاه نیویورک، در «دس مونیس آیوو» در نشست سالانه مدیران و سردبیران خبرگزاری آسوشیتدپرس سخنرانی می‌کردند. روزن اظهار داشت: «آنچه که موضوعات جدیدی را در اختیار شهروندان قرار می‌دهد، همان پوشش خبری روزنامه‌نگاران بسیار فعال است که به ندرت آن را پرورش می‌دهند.

روزنامه‌آینده باید در رابطه خود با همه مراکزی که به زندگی عمومی مرتبط می‌شوند، از کتابخانه‌ها گرفته تا دانشگاه‌ها و رستوران‌ها، تجدید نظر کند. باید در مورد اخبار مربوط به آنها چیزی بیشتر از «پوشش خبری» ارائه دهد. باید کاری بیشتر از چاپ آگهی‌های آنها مدنظر داشته باشد. سلامت روزنامه بستگی به سلامت سازمان‌های دیگری دارد که مردم را از دنیای خصوصی‌شان دور می‌کند و هر چه آنها را از زندگی عمومی دورتر کند، نیاز آنها به روزنامه بیشتر می‌شود. خیابان‌های خالی برای سردبیران بد هستند، هر چند که آنها ممکن است اخبار جناحی بسیاری گزارش دهند. هر چه خیابان‌ها بیشتر خالی شود، فضای روزنامه هم برای خوانندگان در خانه‌های خصوصی‌شان خالی‌تر می‌شود... (روزن ۱۸: ۱۹۸۹)

برخی از دبیران از پاسخ مشتاقانه روزن که سخنرانی او را در دس مونیس شنیده بودند، اظهار شگفتی کردند. از آن پس روزن به جلسات دیگری دعوت شد و او مشتاقانه دعوت‌ها را پذیرفت. مثلاً کنفرانس سال ۱۹۹۱ در نیویورک که از سوی کترینگ فاندنیش (سازمان کترینگ) و دانشگاه سیراکس حمایت می‌شد. در آنجا روزن با دیویس مریت و سپس با سردبیر ویچیتاایگل یک دلیلی کوچک غربی - مرکزی به مالکیت نایت ریدر ملاقات کرد. روزنامه‌ایگل پروژه‌ای را به اتمام رساند. با نام «شمارش آراء شما» که مریت آن را یک تلاش فعالانه و استوار برای تجدیدنظر برخی نقش‌ها برای شهروندان در مراحل انتخاباتی می‌داند. (مریت ۴-۳: a: ۱۹۹۵). این روزنامه در افزایش درک خوانندگان از مسائل کلیدی مبارزات و افزایش تعداد رأی‌دهندگان برای انتخابات گوبرناتور ریال (رابطه ویژه با حاکم دولت در آمریکا) موفق بود. روزن و مریت در این نشست سخنرانی کردند، در حالی که هر دو یکدیگر را همفکر و هم‌رأی یافتند. آنها درک کاملی از روزنامه‌نگاری و نقش آن در جامعه از دیدگاه‌های مختلف داشتند و همچنین در زمینه اهمیت ایجاد تغییر در موقعیت اتاق‌های خبر در جوامع خود از احساسی مشترک، برخوردار بودند. مریت که تجربه‌هایی در زمینه گزارشگری و سردبیری با دفاعیه دانشگاهی داشت و روزن با تجربه اتاق خبر و تخصصش در زمینه بوفالو کوریراکسپرس (پیک سریع‌السیر بوفالو) در نیویورک شمالی، شروع به همکاری کردند و چندین سال خود را

وقف توسعه مفهومی کردند که روزن (۲۲: a: ۱۹۹۵) بعدها آن را در سه بعد روزنامه‌نگاری عمومی شرح داد: «بحث و گفت‌وگو، تمرین، حرکت».

مریت تا پایان سال ۱۹۹۳ از نایت ریدر اجازه داشت روزهای شنبه هر هفته کاملاً آزاد و بی‌کار باشد تا فقط به موضوعات مربوط به روزنامه‌نگاری و دموکراسی فکر کند (مریت ۱۰: a: ۱۹۹۵) و یکی از اولین کتاب‌هایش در زمینه روزنامه‌نگاری عمومی حاصل همین روزهای شنبه است (مریت: ۱۹۹۵b).

علاوه بر این، از طرف سازمان «نایت» برای روزن، زمینه‌ای فراهم شده بود تا طرحی برای زندگی عمومی و مطبوعات تهیه کرده و یک مرکز گسترده تحقیقاتی و پیشگام که «سمینارهایی را برای روزنامه‌نگاران برگزار کند، به تحقیق در زمینه آزمایش‌های مربوط پردازد، و فلسفه‌ای را برای کسانی که می‌خواهند در جهت جامعه مدنی حرکت کنند، پیشنهاد کند» (روزن ۶۱: b: ۱۹۹۹). روزن و مریت رساله‌ای را منتشر کردند (روزن و مریت ۱۹۹۴) که با لحنی نیمه شوخی آن را «بیانیه» نامیده‌اند مشتمل بر دو مقاله و یک مقاله مشترک «تئوری و عمل» و آنها از آن پس آن را «روزنامه‌نگاری عمومی» نامیدند. این بیانیه به کیفیت که کاهش یافته «سیاست و زندگی عمومی در آمریکا» اشاره می‌کرد و از مطبوعات دعوت کرد تا فکری برای بهبود موقعیت خود بکنند: «اگر تغییرات برای آمریکا لازم است تا مشکلات خود را بررسی کند و دموکراسی خود را تقویت نماید، روزنامه‌نگاری یکی از سازمان‌هایی است که باید تغییر کند.» (روزن و مریت ۱۹۹۴).

روزن و مریت به روزنامه‌نگاران اظهار داشتند که زیاد از روزنامه‌نگاری انتظار نداشته باشند تا نقش خود را در جامعه مدنظر قرار دهد. راه‌هایی را پیدا کنند تا خوانندگان، بینندگان و شنوندگان را به عنوان شهروندانی که با مسائل مختلف روزانه مواجه هستند، هر چه بیشتر مجذوب کنند و همچنین با مشکلات به‌گونه‌ای برخورد کنند که ابعاد مختلف اهداف آنها را برآورده سازد. با این حال، روزن و مریت وظیفه خود را در تهیه جزئیات مربوط به روزنامه‌نگاری به پایان نرساندند. در عوض، روزنامه‌نگاری عمومی همان‌طور که در گذشته و در حال حاضر وجود نداشته در آینده هم هرگز به شکل یک تئوری کاملاً شکل یافته مطبوعات وجود نخواهد داشت. با این حال این روزنامه‌نگاری، برنامه خود را برای گسترش در زمینه موضوعات و پرسش‌های بی‌پایان آغاز کرد و ادامه داد. روزنامه‌نگاری عمومی با رضایت برخی و در میان بهت و حیرت دیگران بیشتر به شکل دایره‌ای تجسم می‌شود که روزنامه‌نگاران را در جهت خاصی حرکت می‌دهد نه به صورت نقشه‌ای که به آنها بگوید باید از چه مسیری بروند؛ یا

این که مسائل مهم را تغییر می دهد و برای کتابی که به موضوع روزنامه نگاری سیاسی می پردازد، دلیل منطقی می آورد. هدف این روزنامه نگاری افزایش آگاهی است نه تلفظ کلمه عقیده.» (چریتی ۱۴: ۱۹۹۵)

### اظهارات روزنامه نگاری عمومی

روزن، مریت و دیگر طرفداران روزنامه نگاری عمومی، مصرانه می گویند که طرح های آنها برای یک روزنامه نگاری بهتر، کاملاً بر پایه موضوعات مورد علاقه روزنامه نگاران است: «اگر روزنامه نگاری عمومی انعکاسی برای روزنامه نگاران نداشته باشد، پس در واقع وجود ندارد (روزن، ۲۳: ۱۹۹۵). تلاش های دیگری برای ایجاد یک سری اصلاحات در مطبوعات آمریکا صورت گرفت که مشکلاتی را در پی داشت ولی در عین حال راه حل هایی را هم پیشنهاد می کرد. این تلاش ها بدون توجه به توانایی پاسخگویی روزنامه نگاران صورت می گرفت. ولی روزنامه نگاری عمومی، دیدگاه خود را سریعاً و به طور مستقیم معطوف روزنامه نگاران هر روزه کرد. این روزنامه نگاری زمینه گفت و گو با آنها را فراهم آورد؛ گفت و گو در مورد آنچه که می توانستند برای روزنامه هایی که در اصطلاح روزنامه نگاری عمومی - از جوامع خود «جدا» شده اند انجام دهند؛ گفت و گو که از طریق مشارکت دادن روزنامه نگاران در تصمیماتی مربوط به این که روزنامه نگاری عمومی چه طور می تواند عملاً مورد استفاده قرار گیرد، به آنها توانایی بیشتری می بخشید از اینجا به بعد مریت (۱۳۲: ۱۹۹۵b) اشاره کرد که هرگونه تلاش برای «تدوین یک سری اصول روزنامه نگاری عمومی» یک «تمرین متکبرانه، یک تمرین محدودکننده» خواهد بود. روزنامه نگارانی که روزنامه نگاری عمومی را پذیرفته اند، به گسترش اصول خود در طی زمان و از طریق تجربه، «نیاز دارند. روزن همچنین از روزنامه نگاری عمومی انتظار دارد که توسعه پیدا کند و به همین دلیل تصمیم گرفت «قالب تئوری» خود را رها کند و در عوض طی یک دعوت از گزارشگران و دبیران خواست تا به طور عملی در آزمایش بعدی او شرکت کنند.

من عادت کرده ام که یک منتقد مطبوعاتی باشم و حالا اینجا روش کارم را توضیح می دهم من آنچه را که مطبوعات انجام می دهند مشاهده می کنم، سپس از طریق قالب تئوری خودم - مخصوصاً مقاله ام - آن را تصفیه می کنم و سپس درباره نتایج آن می نویسم. شما می توانید چیزهای زیادی را از این طریق کشف کنید، اما مسأله ای وجود دارد که روزنامه نگاران مقاله شما را نخوانده اند. آنها قالب کاری شما را ندارند، پس هر آنچه را که شما کشف می کنید برای آنها

جدابیت چندانی ندارد. از طرف دیگر آنها برای ملاقات با شما محدودیت زمانی دارند. ... من حالا روش متفاوتی را به کار می‌برم. تقریباً از طریق گفت‌وگو، عملیات خود را انجام می‌دهم. قالب فرضیه من همان چیزی می‌شود که برای حفظ پیشرفت گفت‌وگو لازم است. روزنامه‌نگاری عمومی همان چیزی است که روزنامه‌نگاران خودشان باید آن را به طرف جلو هدایت کنند. به نظر من این مسأله نباید به اندازه (شرح) آن اهمیت داشته باشد. چرا که می‌توانم این کار را با گزارشگران، مدیران روزنامه‌ها و مجریان اخبار در سراسر کشور انجام دهم. (روزن ۲۳: ۱۹۹۵a).

عدم ارائه تعریف صریحی از روزنامه‌نگاری عمومی، آن را بی‌پناه رها می‌کند تا برخی تحریف‌ها به اتاق‌های خبر راه یابند. بنابراین روزنامه‌نگاران خودشان و به خاطر خودشان باید تصمیم بگیرند که چه نوع اصلاحاتی را برای آن به کار ببرند. در غیراین صورت، روزنامه‌نگاری عمومی آن‌چنان باز رها می‌شود که ممکن است تفسیرهای تحریف شده و نادرست به آن راه یابند. هر چقدر هم که در مورد محاسن روزنامه‌نگاری عمومی گفته شود، ولی با نبود اهداف ثابت، سازمان مستقیم و فرمول مشخصی برای موفقیت آن، (روزن ۲۳: a: ۱۹۹۹) «ایده روزنامه‌نگاری عمومی» همچنان در بی‌نظمی خواهد ماند. اگر کتاب اخیر روزن (روزن ۱۹۹۹b) در مورد توسعه روزنامه‌نگاری عمومی، که یک دهه بعد از شروع حرکت‌هایی در این زمینه نوشته شد توسط فردی مورد مطالعه قرار گیرد آن را «روشنفکرانه‌ترین توضیح از روزنامه‌نگاری عمومی توصیف می‌کند» با این همه، همان خواننده، ضعف محتوایی کتاب را هم در محورهای زیر درمی‌یابد: «بحث‌های جزئی و کم‌اهمیت، اصول توسعه نیافته برای تقسیم عموم از خصوص، ناتوانی در ارزیابی روزنامه‌نگاری به‌طور مقایسه‌ای، بی‌میلی برای آزمایش و بررسی تناقض‌های منطقی روزنامه‌نگاری عمومی (رومانو ۲۶: ۲۰۰۰). برای اطمینان، ایده روزنامه‌نگاری عمومی که بر پایه مشاهدات به‌وجود آمده در جایی دیگر استوار شده بود (گلاسه ۶: ۱۹۹۹).

در نهایت چنین نتیجه داد که در پی غفلت، متحمل نتایج بسیار بدی شده است. مدافعان آن در گفت‌وگو با یکدیگر چنین می‌گفتند؛ خیلی کم به این مسأله پرداخته است که چه چیزی را از اهداف دیگر خود جدا کرده، ظاهراً هیچ‌کس نمی‌داند که آیا قدرت روزنامه‌نگاری را تقویت یا تضعیف کرده است. هیچ‌کس تصمیم نگرفته است تا اظهارات خوشبینانه آن را برای بهتر شدن زندگی عموم با آنچه که کری (۱۹۹۵: ۳۷۳) صراحتاً آن را یکی از منابع اصلی فقیدسازی می‌داند، آشتی دهد یعنی همان «نیروهای بی‌رحم خصوصی‌سازی سرمایه‌گذاری».

اظهارات روزنامه‌نگاری عمومی، به عنوان بخشی از یک تئوری پیوسته توسعه یافته (از نظر منطقی) و آگاهی‌دهنده، (از نظر تاریخی) به نظر نمی‌رسد. هر چند می‌تواند در یک سری موضوعات به‌کار برده شوند (مراجعه کنید به چریتی ۱۰: ۱۹۹۵). ولی در متن برخی از موضوعات عمومی وجود دارند، که مهم‌ترین آنها همان رابطه بین اخبار و جامعه است.

### اخبار و جامعه

در بین شرایطی که زمینه لازم را برای بسط و گسترش مسأله روزنامه‌نگاری عمومی فراهم آورد، هیچ‌کدام از آن‌ها به اندازهٔ مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری آمریکا در سال ۱۹۸۸ مورد توجه قرار نگرفت. چنان‌که کری (۱۹۹۵: ۳۷۵) به خوبی به شرح آن می‌پردازد. یک مبارزه شگفت‌آور که به چندین شعار و آگهی محدود شد و تعداد کم رأی‌دهندگان یک‌بار دیگر به ثبت رسید. مطبوعات آمریکا به طرز بی‌سابقه‌ای به شرح مبارزات انتخاباتی پرداختند و آن را همچون صحنه مسابقه ترسیم کردند، یک بازی که در آن سیاستمداران بازیگر بودند و شهروندان تماشاگران آن، در حالی که روزنامه‌نگاران در کنار میدان مشغول تهیه گزارش و تفسیرهای خود بودند. (گیتلین ۱۹: ۱۹۹۰) آن را پوشش «مسابقه اسب‌دوانی»... به همراه پوشش «مسابقه تعادلی» نام نهاد. گزارش‌های روزانه از وضعیت مسابقه، طی آخرین اطلاعات از رأی‌دهندگان، رسمیت پیدا کرد چرا که با «دیدگاه درونی» سیاست ترکیب شد. یک پشت صحنه فریبنده و در عین حال نامناسب، در پشت مسابقه اسب‌دوانی، در چراگاه اسبان، اصطبل‌ها و باشگاه وجود داشت. همه اینها به نوعی از اخبار افزوده شد که طرفدار استراتژی در هر واقعیتی است، یعنی یک «طرح»، همان‌طور که جیمیسون در حضور دیگران مثل (بترسون ۱۹۸۰: ۱۹۸۵) به این طرح اشاره کرد که از رأی‌دهندگان دعوت می‌کند تا سؤالاتی نظیر «چه کسی برای ریاست‌جمهوری بهتر است؟» «چه کسی برنده می‌شود؟» را مطرح نکند.

در طرح استراتژی، کاندیداها مثل مجریان، گزارشگران مثل منتقدان تئاتر و مخاطبان، مثل تماشاچی هستند. هدف مجری برنده شدن آراء رأی‌دهندگان است که در تمام مدت اجراء، این طرح ریخته می‌شود. «آراء» تعیین‌کننده هستند که آیا نامزد انتخاباتی اولین دوندۀ است یا آخرین دوندۀ، آیا این نامزد انتخاباتی در حال تلاش برای رسیدن به اهداف خود است یا به آنها رسیده است، همچنین چگونگی فعالیت‌های نمایشی و غیرنمایشی تفسیر می‌شود. در طرح استراتژی، نامزدها راه حل مشکلات را مطرح نمی‌کنند اما با کمک «استراتژی‌ها» آنها را صادر

می‌کنند. زمان طرح استراتژی زمان ورزش و جنگ است. دامنه لغات به گزارشگران، نامزدها و عموم مردم اجازه می‌دهند تا بپرسند «چه کسی برنده می‌شود و چطور؟» کیفیت دعوت از رأی‌دهندگان با استفاده از این طرح، ضعیف و گسسته است. (جیمیسون، ۲۸: ۱۹۹۳)

برای مبارزه با بی‌تفاوتی و بی‌عاطفگی که نه تنها در پوشش انتخابات سال ۱۹۸۸ بلکه در همه امور زندگی وجود داشت، روزنامه‌نگاری عمومی «اخبار خوب» بیشتر و بهتری طلب می‌کرد تا بتواند زمینه‌ای را برای مطالعه جدید و مربوط به امور اخلاقی مطبوعات فراهم کند. (کریستین et.al: ۱۹۹۳): در حقیقت درخواستی برای روزنامه‌نگاران بود که راه‌های خوشبینی انتقال را نسبت به آینده در نظر بگیرند و به توانایی جامعه برای رسیدن به آنجا مطمئن باشند. بنابراین روزنامه‌نگاری عمومی به عنوان یک معیار صحیح، برای زبان ناامیدی و نارضایتی به کار می‌رود. سعی می‌کند در برابر بدبینی فناکننده‌ای که پایان خوشی ندارد، مقاومت کند. مخصوصاً با لحن غیرمستقیم و بدون اشتباه سبب می‌شود روزنامه‌نگاران با نگاهی درست و عمیق به گزارش اخبار پردازند و تنفر خود را نسبت به آن نشان دهند. روزن می‌گوید «روزنامه‌نگاران مثل افسران، زبان تندی را که با حالت جذاب همراه است برای خود برگزیده‌اند چون مثل افسران از آنها تقاضا می‌شود تا در روشنایی تناقض‌های جامعه زندگی کنند، تا درباره حماقت‌ها و جنایت‌های آن شهادت دهند. و دورویی آن را، ادعایش برای مراقبت، و بی‌دقتی محضش را بپذیرند.

در روزنامه‌نگاری، مثل هر جای دیگر، زبان غیرمستقیم مثل یک لباس مبدل عمل می‌کند. این شیوه ظاهر زبان، با دعوت از خوانندگان برای رد معنای آشکار متن، بر هم می‌زند: «به خوانندگان اجازه می‌دهد تا زیرکانه یا به‌طور غیرمستقیم، معنای آن را دریابند، چون حقایق خودشان صحبت نمی‌کنند». زبان غیرمستقیم، افکار نویسنده را با غوطه‌ور کردن در زبانی تناقض‌آمیز پنهان می‌کند.

با این حال، این لباس مبدل، لاغری را می‌پوشاند. و این یک دعوت هوشمندانه است. دعوت برای «خواندن سپیدی میان خطوط». که در حال حاضر یک یادآوری کننده با نفوذ غیرمحمول و حتی غیرممکن برای انجام کارهاست. در زمانی که بازیگران با نقش‌های خنده‌آور، برگردان و مقلدانه، دیگر شکل‌های بیان رایج را نادیده می‌گیرند و در آنچه که بادیلارد (۲۱۰: ۱۹۸۸) آن را یک «بی‌ثباتی اساسی برای هدف ما، انتخاب ما، عقیده ما، اراده ما» می‌داند، شرکت می‌کنند، زبان غیرمستقیم در روزنامه‌نگاری می‌تواند تأکید دیگری بر سرخوردگی عمومی باشد.

فرقی که این نوع زبان با اخبار دارد این است که اخبار «حالتی از یک عدم تعهد اجباری» را به وجود می‌آورد، همان طور که یکی از روزنامه‌نگاران برجسته آمریکایی (فالوز: ۲۴۳: ۱۹۹۶) نتایج ناخواسته آن را به گونه‌ای شرح می‌دهد که براساس آنچه که روزنامه‌نگاران درباره آن نوشته‌اند، نیست بلکه براساس آن است که چطور می‌توانند درباره آن بنویسند. اخبار خوب که مورد توجه روزنامه‌نگاری عمومی است، براساس نتایج آن ارزیابی می‌شود. در اخبار خوب احتمال یا حداقل امکان دستیابی به نتایج خوب وجود دارد. با وجود این، منتقدان براین مسأله پافشاری دارند که همین تأکید بر اخبار «خوب» روزنامه‌نگاران را تشویق می‌کند از اخبار بد استفاده نکنند. روزنامه‌نگاری عمومی هرگز از دبیران و گزارشگران انتظار ندارد که از مشکلات جامعه چشم‌پوشی کرده یا روی آنها سرپوش بگذارند.

اخبار خوب همان طور که روزنامه‌نگاری عمومی آن را در نظر می‌گیرد، هوشیاری جامعه نسبت به راه حل مشکلات را افزایش می‌دهد، یعنی مقدماتی برای حل مسائل و مشکلات - براساس آنچه که می‌توان انجام داد - فراهم می‌آورد. و همچنین مثل راهی است برای گزارش از جشن اتماپیر (۱۹۹۶) برای مطالعات خود در زمینه تأثیر مزایای داریی‌های جامعه بر ناخوشی‌های مدنی، این مطالعه با عنوان متناسب اخبار خوب از همسایه بد صورت گرفته است.

به بسیاری از کشورهای همسایه برخوردی از جامعه مدنی، برجسب‌های آشنایی زده می‌شود، فقیر و تهیدست، خشن و در حال سقوط، ناآرام و نگران، معتاد، حاکم بر مردم. جوامع از طریق همین برجسب‌هاست که شناخته می‌شوند؛ از طریق ساکنان و افرادی مثل آنان. در برخی موارد نیز کاملاً براساس مشکلات‌شان مورد شناسایی قرار می‌گیرد. اتماپیر (۱۹۹۶) به بخشی از این مسأله در رابطه با عادات ذهنی خبرنگاری می‌پردازد که مشتمل بر یک زبان پذیرفته شده غیرانتقادی از زوال مدنی و ناخوشی‌های اجتماعی است. این زبان جامعه را بدون رجوع به داریی‌های توضیح می‌دهد: «همچنین از منابع سازنده جامعه» چشم‌پوشی می‌کند که این منابع خود را در سازمان‌های مردم‌عادی، مؤسسات مذهبی محلی، گروه‌های همسایه و دیگر مکان‌هایی که توسط مطبوعات پوشش داده می‌شوند، آشکار می‌سازند، آن هم زمانی که یک شخص تصمیم می‌گیرد تا یک داستان اخلاقی بسازد.

اگر هدف مطبوعات، موفقیت جامعه باشد نه القای یأس و ناامیدی، باید زبان روزنامه‌نگاران به گونه‌ای باشد که بتوانند اخبار «بد» را به شکل اخبار «خوب» ارائه دهند. روزنامه‌نگاری عمومی واژه‌ها را به گونه‌ای به کار می‌گیرد که نه تنها بتوانند مشکلات جامعه را



مطرح کنند بلکه توانایی جامعه برای مواجهه با آن‌ها را نیز در نظر بگیرند. بنابراین روزنامه‌نگاری عمومی میان اخبار و جامعه یک رابطه حساس قائل است. رابطه‌ای که خود را در زبان مورد استفاده روزنامه‌نگاران آشکار می‌کند تا بتوانند جهان را به یک جهان روشن و متمایز تبدیل کنند: «این کار مستلزم این است که روزنامه‌نگاران این حقیقت را دریابند برای مواجهه با مشکلات حتی تاریک‌ترین حقایق، راه‌هایی وجود دارند که به ما، در حل آنها کمک می‌کنند.» (روزن ۶: ۱۹۹۶ b) بنابراین انتقاد روزنامه‌نگاری عمومی از زبان اخبار و رای معنای سطحی یک متن است، جایی که سؤالات مربوط به نحو و معنا بیشترین توجه را به خود اختصاص می‌دهند و شامل آن چیزی می‌شود که اتمام پیر آن را این‌گونه توصیف می‌کنند:

یک تلاش بی‌شائبه برای تجزیه ساختارهای عمیق اخبار به عنوان یک سیستم معنایی به عنوان مثال توجه به الگوهای پوشش جامعه، تعریف اعتبار اخبار، انتخاب از بین منابع جامعه، انتخاب از قالب‌های داستانی و غیره در این راستا تطبیق قراردادهای روزنامه‌نگاری با زبان روزنامه‌نگاری تنها از جنبه‌های معنایی صورت نمی‌گیرد.

این قراردادهای بیش از همه سیستم تفکر و نوشتن هستند که مفهوم خاص جامعه و ابعاد آن را در بردارند.

با گسترش لحن، تغییر قالب و افزایش حوزه داستان‌هایی که روزنامه‌نگاران روایت می‌کنند، روزنامه‌نگاری عمومی از مطبوعات انتظار دارد تا بتوانند موقعیت خود را به عنوان رقیب بهتر در جامعه مطرح کند. مطبوعات یکی از سازمان‌های متعدد محلی است که در شکل‌گیری آینده جامعه و بنابراین موفقیت جامعه نقش مهمی دارد. بنابراین با وجود دیگر سازمان‌های محلی که دارای منافع ذاتی در حرکت جامعه از یک جهت به جهت دیگر هستند، روزنامه‌نگاری عمومی از مطبوعات می‌خواهد تا نقش خاص «شریک منصف» را بازی کند و یکی از عبارات مریت (۱۹۹۵b: ۹۲-۵) را به کار گیرد. یعنی یک میانجی که با فراهم آوردن زمینه بحث در بین دیگر شرکا، خود نیز در آن شرکت می‌کند.

### روزنامه‌نگاری و نقش سخنان عموم

نقش «شریک منصف» مریت برای مطبوعات به تفاوت مهم اما بحث‌برانگیز (گارتنر ۱۹۹۸، سی اف گلامر ۲۰۰۰) بین پایه‌گذاری یک دستور کار و یافتن آن اشاره می‌کند. در روزنامه‌نگاری عمومی قدیمی، مطبوعات به دستور کار جامعه توجه دارند یعنی برخی مسائل که ممکن است با برجسته‌ترین مسائل روز که مورد توجه روزنامه‌نگاران است، تطبیق داشته باشد و ممکن

است تطبیق هم نداشته باشد. با وجود آن که نیاز به گزارش، حقایق ناراحت‌کننده کم نشده است روزن (۲۹۷: b: ۱۹۹۹) و حتی ممکن است افراد متخلف به این‌گونه گزارش‌ها، تمایل بیشتری نشان دهند، دستورکاری که روزنامه‌نگاری عمومی را به حرکت در می‌آورد، در بیرون از اتاق خبر و آن سوی دنیای نخبگان سیاسی قرار دارد. این دستور کار بین شهروندانی وجود دارد که در کنار هم جمع شده‌اند. به طور مجازی نه به طور ادبی. تا ارزش‌های مشترکی را که جامعه آنها را تعریف می‌کند، ببینند و شرایطی را که آنها را تهدید یا تقویت می‌کند ارزیابی کنند.

توسعه دستور کار جامعه به جای پایه‌ریزی آن، یک نقش دفاعی برای حمایت محدود روزنامه‌نگاری عمومی در قبال مطبوعات تعیین می‌کند. روزنامه‌نگاری باید بدون آن که به حمایت از راه حل‌های خاص بپردازد، از دموکراسی حمایت کند. (چریتی، ۱۹۹۵: ۱۴۶). زمانی که مطبوعات به عنوان مبارزی علیه ابزار دموکراتیک و علیه اهداف دموکراتیک عمل کند، روزنامه‌نگاری عمومی، روزنامه‌نگاران را تشویق می‌کند تا نسبت به نتایج آن دقت داشته باشند. مریٹ (۱۹۹۵: b: ۱۱۶) می‌نویسد: بحث پیرامون کیفیت زندگی عمومی به معنای تلاش برای تعیین نتایج آن نیست، بلکه به معنای تعهد در راه کمک به مراحل زندگی عمومی است که نتایج لازم را تعیین می‌کنند. او در ادامه چنین می‌نویسد: نقش پایه‌ریزی دستور کار برای مطبوعات، بر مراحل یا یک مرحله تأکید می‌کند: بنا به گفته روزن (۱۹۹۶: a: ۱۵) روزنامه‌نگاری عمومی به خاطر داشتن یک دستور کار، عذرخواهی نمی‌کند. هر چقدر این دستور کار به اموری که بیشتر جنبه عمومی مشارکتی و مشاوره‌ای دارند، شبیه شود شرایط کارآمد مدنی بیشتر و کیفیت بحث‌های سیاسی بهتر می‌شود. مطبوعات نمی‌تواند وانمود کند که هیچ سرمایه‌ای برای آسایش جامعه و هیچ سهمی در تلاش‌های آتی خود ندارد، و از سوی دیگر نمی‌تواند ادعا کند، نسبت به جامعه مدنی و تزلزل شرایط عمومی بی تفاوت است، بدین ترتیب نمی‌تواند «طرح‌های چریکی (پارتیزانی) را تعقیب کند یا عقاید مطبوعات مستقل را نادیده بگیرد». (روزن ۲۰۰: b: ۱۹۹۹).

هر چند منتقدان نگران اهانت آشکار روزنامه‌نگاری عمومی به «واقعیت» قدیمی هستند: در واقع روزنامه‌نگاری عمومی نه می‌تواند اصول واقعیت را رد کند و نه در عمل جنبه ایده‌آل بی‌طرفی آن را در نظر نگیرد. (روزن ۱۹۹۹: b) برای شناخت بسیاری راه‌ها برای یافتن یک موقعیت بی‌طرف، در درام زندگی عمومی به ذکر مثال‌هایی می‌پردازد: بی‌طرفی داور را در زمین بازی باعث صدور دستور از جانب او بی‌طرفی منتقد را «قضاوت در مورد صحنه از یک

موضع بی طرفانه و بی طرفی» یک انقلابی را «تحریک مردم برای مشارکت و سپس برگشت آنها» می داند. (روزن ۲۵۸: ۵؛ ۱۹۹۹) برای این نقش بی طرفانه در مورد مطبوعات اصطلاح «بی طرفی خود فعالی» را به کار می برد. در تعریف آن باید گفت: نقشی است که به اهمیت تعهد نداشتن نسبت به یک مسأله خاص احترام می گذارد اما در تلاش های مربوط به فراهم کردن زمینه بحث در مورد مسائل، به طور عمومی، شرکت دارد.

روزنامه نگاری عمومی زمانی موفق می شود، توان سیاسی جامعه را تقویت کند که خودش را بشناسد، تحولات مثبتی را تجربه کند و امکان انتخاب را فراهم آورد. روزنامه نگاران عمومی با دیدن یک جامعه کاملاً منسجم، روح می گیرند؛ جامعه ای که با تمام توان کار می کند در خودش، آینده اش و انتخاباتش آن را منعکس می کند. روزنامه نگاران عمومی می خواهند چیزی بیش از یک تماشاچی محض باشند، می خواهند در ایجاد یک جامعه پیوسته شریک شوند و به قدرت شهری بپیوندند. در این صحنه آنها خودشان مجریان سیاسی می شوند.

هاکت و زاو (۱۹۹۶: ۱۰) اشاره رزن به بی طرفی خود فعالانه را پذیرفته اند و از سوی دیگر معتقدند با ایجاد بی طرفی در طرح های خاص و راه حل های عمومی، روزنامه نگاری عمومی «خودش به عنوان یک پارتیزان به مبارزه بر می خیزد نه این که یک عامل خاص سیاسی باشد.» پس برای رسیدن به هدف، نباید سردبیران و گزارشگران را در راه خدمت به جامعه خود در نقشی که بیشترین اهمیت را برای روزنامه نگاری عمومی دارد منع کرد، همان طور که «سرمایه گذاری مدنی» برای توسعه تولید جامعه مطرح شد. (چریتی ۱۱؛ ۱۹۹۵)

برای بهبود تولید جامعه و در راستای منافع آن در رابطه با زبان اخبار و احساس جامعه از خودش، روزنامه نگاری عمومی خواهان تغییر از «روزنامه نگاری اطلاعاتی» به «روزنامه نگاری مکالمه ای» است، ترجیحاً کری (۱۹۸۷: ۱۴) از آن برای تأکید بر این مسأله استفاده می کند که: «عموم مردم باید در بحث ها و گفت وگوها شرکت فعال داشته باشند و تشویق شوند تا بیشتر صحبت کنند نه این که صرفاً ناظرانی باشند در برابر سیاستمداران و کارشناسانی که به ارائه بحث می پردازند.» باید اطلاعات لازم در اختیار مردم قرار بگیرد، البته این امر مستلزم اخبار روزانه است و از طریق بحث و مناظره با خود مردم صورت می گیرد. همچنین باید فرصت هایی در اختیار شهروندان قرار گیرد تا خودشان بر خودشان حاکم باشند نه این که به مثابه سوژه هایی معمولی از دیدگاه نخبگان و افراد برگزیده مورد بررسی قرار گیرند. برای انجام این مهم، ایجاد تغییرات اساسی در فرهنگ اتاق های خبر لازم است، یعنی چیزی شبیه به آنچه که روزنامه نگاران در ویرجینیا پیلوت در نور فولک، ویرجینیا در گزارشی از

زندگی عمومی به شرح آن پرداختند. این گزارش در سمینار روزنامه‌نگاری در سال ۱۹۹۴ ارائه شد. (به نقل از هوم ۳۶:۱۹۹۵)

● گزارشگران نباید فقط در جست‌وجوی منابع بسیار متضاد یک مسأله باشند بلکه باید دیدگاه متعادلی به منابع حد وسط داشته باشند.

● پوشش خبری براساس تجارب روزانه مردم صورت می‌گیرد، نه براساس نوع رفتاری که با مردم به عنوان عوامل حادثه‌ساز در داستان‌های مربوط به سیاست رسمی، می‌شود.

● گزارشگران از احساسات مردم استفاده می‌کنند تا نشان دهند که چگونه به اهداف خود می‌رسند. به جای این‌که از رنگی استفاده کنند که با آن احساس مردم را درباره آن مسأله نشان دهند.

● موضوعاتی که گزارشگران انتخاب می‌کنند به ارزش‌هایی مربوط است که مردم برای آن موضوع قائلند. مثل اشاره به نکات مبهم و پیچیدگی‌ها به جای شرح یک درگیری و نزاع.

● آگاهی شهروندان در ارتباط با آگاهی کارشناسان ارزیابی می‌شود.

● در نوشتن واژه‌هایی چون چه کسی، چه چیزی، چرا، کی و چه وقت، آنها باید برای مردم توضیح دهند که چرا در این رابطه دقت نظر دارند.

● گزارشگران سعی دارند که نشان دهند مردم چگونه مشکلات خود را حل می‌کنند و با این کار به مردم نشان می‌دهند که مشکلات حل شدنی هستند و مردم خودشان نقش مهمی در حل آن دارند.

### از اصول تا طرح‌ها: روزنامه‌نگاری عمومی در عمل

روزنامه‌نگاری عمومی از بسیاری جهات در موفقیت پروژه‌ها سهیم بوده است. در سال‌های اولیه حرکت، پروژه روزن - در مورد زندگی عمومی و مطبوعات - این پروژه‌ها را به دقت مورد بررسی قرار داد و از آنها برای تعیین کیفیت و نوع کاری استفاده کرد که همان روزنامه‌نگاری عمومی است. حال، مرکز پیو (Pew) مبتنی بر DC برای روزنامه‌نگاری مدنی در واشنگتن، که پیو چرتیبل تراست (Pew Charitable Trusts) (سپرده‌های خیرخواهانه پیو) سرمایه آن را تأمین کرده است، نقش خود را از طریق خبرنامه سیویک کاتالیست (Civic Catalyst) ایفا می‌کند. این خبرنامه چارچوبی را برای بحث پیرامون اصول و عملکرد روزنامه‌نگاری عمومی و همچنین خلاصه‌هایی از پروژه‌ها (که مرکز پیو از طرف این مرکز سرمایه‌گذاری شده) ارائه می‌دهد. جایزه سالانه به بتن (Batten) برای کار عالی‌اش در روزنامه‌نگاری مدنی (که در

خاطرات جیمز بتن به آن اشاره شده) از طرف نایت ریدر و اولین طرفدار روزنامه‌نگاری عمومی، تخصیص داده شد و همچنین اعلام شد که از نظر رسمی و مالی نیز فعالیت‌های مؤثری در روزنامه‌نگاری عمومی یا شهری قدیمی داشته است.

هیچ اظهاریه فوریته قضاوت نمی‌کند که این گروه از پروژه‌ها تحت پرچم روزنامه‌نگاری عمومی کامل شده است مگر این‌که بگوید که بسیاری از آنها مستقیماً به انتخابات و پوشش مبارزاتی می‌پردازند؛ و در بین اینها، بیشترشان دارای دیدگاه‌های مشترک با «تعریف عملی» جدیدی از «روزنامه‌نگاری بر مبنای شهروندی» هستند.

۱. از یک یا چند قالب عمومی در مسائل حمایت می‌کنند.
۲. برای تهیه اموری که ارزش پوشش دارند از آراء استفاده می‌کنند.
۳. گروه‌های متمرکزی را هدایت می‌کنند که نگرانی‌های افراد رأی‌دهنده را انعکاس می‌دهند.

۴. هیأت‌های مدنی را برای مشورت با آنها در مراحل مختلف مبارزات تشکیل می‌دهند.

۵. سوالات خوانندگان و بینندگان را در مصاحبه با کاندیداها مطرح می‌کند.

۶. مسائلی را گزارش می‌کنند که شهروندان در آن نقش داشته‌اند.

۷. اطلاعاتی را در اختیار شهروندان قرار می‌دهند تا به آنها در مراحل سیاسی به غیر از

راه‌های انتخاباتی کمک کنند. (میر و پاتر ۱۹: ۲۰۰۰)

اگر چه هیچ معیار رسمی برای جداسازی روزنامه‌نگاری قدیمی و روزنامه‌نگاری عمومی وجود ندارد، ولی بیشتر پروژه‌ها و فعالیت‌ها در روح روزنامه‌نگاری عمومی وجود دارد که خود را در سه بعد متمایز آشکار کرده‌اند. راه‌هایی که گزارشگران از آن طریق با شهروندان و جامعه تماس برقرار می‌کنند. ابزاری که سردبیران از آنها برای تعیین برنامه عموم یا جامعه استفاده می‌کنند و ماهیت گزارش‌هایی که روزنامه‌نگاران روایت می‌کنند.

### توسعه مجدد پرسنل اتاق خبر

روزنامه‌نگاری عمومی راه‌های را برای سیستم استاندارد ضربتی پیشنهاد می‌کند که در اکثر اتاق‌های خبر آمریکا مورد استفاده قرار می‌گیرد، یک شیوه رایج برای استخدام روزنامه‌نگاران در جای جای جامعه تا به تهیه جریان همیشگی اخبار پردازند. از آنجا که هیچ اتاق خبری نمی‌تواند جامعه را بدون گزارشگر بگذارد، سیستم ضربتی، راه مؤثری را پیشنهاد می‌کند. یک تشکل شبکه‌ای از انتشار گزارشگران تا برای آنچه که تاچمن (۱۹۷۸:۲۳) به شکل سمبولیک آن

را گرفتن «ماهی بزرگ» می‌نامد، از آنها استفاده شود.

برای پوشش گزارش‌های مربوط به مؤسساتی که اساس جامعه را پی می‌ریزند (پلیس، دولت، دادگاه، مدرسه و غیره) گزارشگران ضربتی، باید حداقل از دو راه به انجام وظیفه بپردازند. اولاً چون گزارشگران نمی‌توانند اخبار فردا را پیشگویی کنند، همیشه می‌دانند که کجا باید آن را پیدا کنند؛ گزارشگران ضربتی اخبار را در بین مؤسسات اداری عمومی پیدا می‌کنند که کارمندان آنها همان مسؤلان عمومی هستند که اغلب از سوی قانون مجبور می‌شوند تا آنچه را که روزنامه‌نگاران خواهان دانستن آن هستند، افشاکنند. ثانیاً این مسؤلان برای مؤسسات خود از مدارک و اسناد معتبری استفاده می‌کنند (فیشن ۱۹۸۰) و این اظهارات امکان تحقیق بیشتر را به گزارشگران نمی‌دهند. همه اخبار رسیده به سردبیران صحت ندارد. از سوی منابعی که دارای قدرت اجتماعی و سیاسی هستند چه اخباری می‌رسد که ما بفهمیم آنها درباره این حقایق چه می‌دانند؟ سیستم ضربتی همچنین راه مبارزه روزنامه‌نگاری عمومی را توسعه می‌بخشد. از کسانی طرفداری می‌کند که گلدن (۱۹۷۶:۱۲۲-۳) آنها را «مدیران وضع موجود» می‌داند. و این مدیران همان مسؤلان عموم یا معاونان آنها هستند که به طور ذاتی حساب‌های جامعه و امور مالی آن به دست آنهاست. علاوه بر این، سیستم ضربتی تنها زمانی می‌تواند به طور گسترده به مسائل جامعه بپردازد که گزارش‌های آن از طریق یکی از مؤسسات مالی مطرح شود در حالی که از همسایگان خود شاکمی است. همسایگانی که مطبوعات تنها زمانی به آنها توجه می‌کنند که جنایتی صورت گرفته باشد. اداره پلیس محلی می‌تواند یکی از پرسودترین گروه‌های ضربتی باشد، اما بسیاری در جامعه آن را به عنوان بهترین یا مناسب‌ترین منبع خبر در نظر نمی‌گیرند.

تعدادی از اتاق‌های خبر به سوی روزنامه‌نگاری عمومی حرکت کرده‌اند و این کار را از طریق افزودن یا تجدیدنظر در عملیات ضربتی قدیمی انجام دادند. دولت کلمبیا (کارولینای جنوبی) با دانستن این حقیقت که اخبار «در طول مرزهای موجود در سازمان اخبار توسعه پیدا نمی‌کند»، به عملیات ضربتی خود در یک سری «چرخه‌ها» شکل تازه داد. این چرخه‌ها بر پایه «موضوعات صریحی هستند که هسته مرکزی روزنامه‌ها را می‌سازند».

کیفیت زندگی که چنین مناطقی را با جرم، خانه‌سازی، خوراک و تغذیه، بهداشت و محیط پوشش داد. زندگی شهری و حاکمیت که مسائلی را در پی داشت که روی شهروندان از شورای شهر تا عمارت کنگره آمریکا تأثیر گذاشت، ریشه‌های اجتماعی که مسائلی را به وجود آورد که ریشه در جامعه کلمبیا داشت، مثل مذهب، اوقات فراغت که مسائل تفریحی و فعالیت‌های

این چینی را پوشش داد؛ معامله‌ها که جزء اخبار تجاری محسوب می‌شوند؛ و یادگیری امور زمان‌بندی شده‌ای مثل مسائل مربوط به والدین، مراقبت از کودک، آموزش و سالمندی. (جانسون ۱۳۸۹: ۱۹۹۸).

قرار دادن گزارشگران گروه‌های مختلف ضربت در یک چرخه، فرصت‌هایی را برای همکاری در اتاق خبر پدید آورد تا آنها به‌طور گروهی، توجه خود را به مسائل و منابع گسترده‌تری معطوف کنند. چون چرخه‌ها، برخلاف چرخه‌های ضربتی، با صفحات یا بخش‌های خاصی از روزنامه تطبیق ندارند، گزارشگران با خود اندیشیدند تا براساس آنچه که یک روزنامه نیاز دارد تصمیم بگیرند نه براساس آن‌که چه چیزی برای پر کردن خلاء اخبار که آنها مسؤول آن هستند، بهتر است.

برای تشویق گزارشگران ضربتی برای حرکت به آن سوی معیارهای استاندارد منابع، برای ایده‌های نقلی مثل ایده‌های گزارشی، آئیستون استار در آلاما بیش از یکصد نفر را از «رهبران جامعه غیررسمی» دور هم جمع کرد. رهبرانی از باشگاه‌های مدنی، گروه‌های کلیسا، رهبران تعلیم دهنده برنامه‌ها، گروه‌های راست‌گرای مدنی و دیگران (پیوستر، تابستان ۵: ۱۹۹۵) برای اجتناب از استفاده از منابع جدید و مختلف برای مسیرهای کم‌اهمیت، اس‌تی‌پل پیونیر پرس که یک دبلی شهری است و برای پایتخت مینوسوتا منتشر می‌شود، به گزارشگران خود زمانی را اختصاص داد تا مصاحبه‌ها را عمیق‌تر کنند. مثلاً گزارشگران پیونیر پرس طی گزارشی برای ایجاد رابطه‌های درونی و عمیق خود را در زندگی مردمی با آنها به مصاحبه می‌پرداختند غوطه‌ور می‌کردند، همچون انسان‌شناسان آماتوری که مشتاق بودند زمانی را صرف کنند تا زندگی را در خانه‌ها یا کارهای روزمره مراکز مختلف تجربه کنند. گزارشگران با این کار خود مورد اعتماد قرار می‌گرفتند و نتیجه آن خیلی بیشتر و بهتر از «بحث‌های سطحی سیاسی» بود که اغلب از سوی گزارشگران صورت می‌گرفت. (پیوستر، جولای ۴: ۱۹۹۶)

«گزارش غوطه‌ورسازی» که پیونیر پرس از آن با عنوان نوعی «روش پوشش خبری» یاد می‌کند، کار جیم دویر گزارشگر نیوزدی نیویورک را نیز مورد ارزیابی قرار می‌دهد. جیم در اوایل دهه ۱۹۹۰ در مقاله‌ای نوشت «در راه زیرزمینی»، که این اصطلاح او بر مبنای شناخت او از بزرگ‌ترین سیستم حمل و نقل جهان است نه براساس دانش او درباره آن. علی‌رغم آن‌که گزارشگران نیویورک تایمز در گزارش‌های خود درباره راه‌های زیرزمینی تنها به مصاحبه با مسؤولان «ترانزیت اتوریته» می‌پردازند (ترانزیت اتوریته مسؤولیت سیستم زیرزمینی را برعهده دارد) دویر (روزن ۴: ۱۹۹۵b) اشاره می‌کند بیشتر اوقات خود را در زیرزمین گذرانده

است. او روزهای بسیاری را در آنجا بدون پول و در معرض خطر و آلودگی به سر برد، اما در همان روزها به تمرین «صبر و ادب» پرداخت تا وضعیت مردمی را که هر روز در زیرزمین کار می‌کنند، درک کند. دویر با برقرار کردن ارتباطات سریع گوشتی و خونی با شهروندان و همچنین به دلیل توانایی هایش، به عنوان نماینده خوانندگان و طرفدارانش شناخته شد. اگر چه ممکن است که دویر به مصاحبه با مسؤولان ترانزیت آتوری پایان داده باشد، اما توانایی‌هایی را در خود دیده بود؛ که به عقیده روزن همان چیزی است که روزنامه‌نگاری عمومی به آن نیاز دارد تا هنگام تشویق روزنامه‌نگاران برای تهیه گزارش از مسأله‌ای جدید، از آن استفاده کند، «قدرت بدون توانایی، سریع‌ترین راه برای برانگیختن خشم عموم است.» (روزن ۵۶: ۵۰۵، ۱۹۹۵)

### یافتن یک دستورکار عمومی

روزنامه‌نگاری عمومی سعی می‌کند تا بین قرارداد اجدادی و سنتی روزنامه‌ها با جوامع خود و همچنین خطر واگذاری قضاوت در مورد سردبیران به رأی‌دهندگان، تعامل رضایت‌بخشی ایجاد کند. (گارتر ۲۲۹: ۱۹۹۸) اصطلاح قرارداد اجدادی و سنتی توسط مدیر روزنامه استیت به‌کار برده شد. [در جوامع آنها اخبار و اطلاعات از بالا به پایین کشیده شد و همچنین پندهایی داده می‌شد مبنی بر این که چطور باید با جامعه برخورد کرد] (به نقل از جانسون ۱۴۱: ۱۹۹۸). واگذاری قضاوت به رأی‌دهندگان که در حقیقت همان خوانندگان و بینندگان در گروه‌های متمرکزند و هیچ‌گونه دانش خاص درباره دولت، سیاست یا سیاستمداران ندارند، قضاوت نادرستی محسوب می‌شود. دستورکار عمومی سعی دارد تا با استفاده از حدود اختیارات خود شهروندان را تحریک کند تا در حل برخی از مشکلات خود از این نیرو استفاده کنند. پروژه‌ها در روزنامه‌نگاری عمومی قدیمی تعهد داشتند تا به آن چیزی که همان «دستورکار عمومی» است پاسخ دهند و آن را تسهیل کنند.

پروژه‌ها در زیر لوای روزنامه‌نگاری عمومی، افراد جامعه را به نوعی گردهم می‌آورند و با استفاده از قالب‌های حمایتی برای یک دستورکار عمومی تحقیق می‌کنند. این دستورکار عمومی عبارت است از: سازماندهی نشست‌های مدنی، مرتب کردن گروه‌های متمرکز و دایر کردن حوزه‌های انتخاباتی. تشریح یک چنین پروژه‌ای می‌تواند مثل متن ذیل باشد. یکی از متن‌هایی که از ائتلاف مطبوعات خبری در لانگ بیچ کالیفرنیا برگرفته شده است:

بعد از یک دوره انتخابات، بیش از ۷۵ گروه متمرکز - مشتمل بر سه گروه ۲۵ نفری از گزارشگران و مقاله‌نویس‌ها - «لانگ بیچ ۲۰۰۰ آینده جامعه ما در آخرین شکست خود طی هشت روز اداره شد. مسائلی که



در جامعه اهمیت داشتند عبارت بودند از ایمنی، آموزش، روابط رقابتی، مهاجرت، همسایگی و داوطلبی (بیوسنتر، بهار ۱۰: ۱۹۹۸)

پروژه‌هایی از این دست اغلب به مسائلی می‌پردازند که نادیده گرفته شده یا توسط اتاق خبر از آن غفلت شده است. این مسأله مخصوصاً در مورد پوشش انتخابات مشهود است. دبیران روزنامه اُنج کانتی رجیستر که یک دیلی شهری است و در نزدیکی‌های لوس‌آنجلس چاپ می‌شود، زمانی به انتشار آن پرداختند که تصمیم گرفته بودند کنوانسیون جمهوری (خواه) ۱۹۹۶ را پوشش دهند. و این کار را از طریق تمرکز روی مسائلی انجام دادند که مورد توجه آنها قرار گرفت مثلاً در اختیار قراردادن خطوط تلفن برای خوانندگان تا تماس بگیرند و همچنین نامه‌هایی را از خوانندگان دریافت کردند و گفت‌وگوهایی را با خوانندگان و گروهی از شهروندان ترتیب دادند. هدف از انجام این کارها «تهیه گزارشی از نگرانی‌های سیستم جامعه به شکلی عمیق‌تر بود، خواه این مسائل مورد بررسی قرار نگرفته و خواه در حالتی دو قطبی بررسی شده بودند. آن هم در شرایطی که اکثریت مردم جایی در مطبوعات نداشتند. (روزن ۱۱۳: ۱۹۹۹b)

با شروع نگرانی‌های شهروندان، نشریه رجیستر پوشش مبارزاتی خود را تغییر داد. این نشریه که قبلاً از دیدگاه درونی سیاست استفاده می‌کرد و یک منبع اصلی برای اخبار مبارزاتی محسوب می‌شد، دیدگاه خود را به سوی مردمی تغییر داد که می‌بایست تصمیم خود را می‌گرفتند که به کدام کاندیدا رأی دهند. هدف اصلی این پوشش خبری، ایجاد مبارزه سیاسی، تغییر در روند برنده شدن در انتخابات، تصورات و شخصیت کاندیداها - یعنی همان «طرح استراتژی» - نبود بلکه به مسائل اساسی و موقعیت سیاسی کاندیداها می‌پرداخت. با مشارکت شهروندان در مراحل «دستورکار عمومی» که اغلب در اتاق خبر فراموش می‌شود، دبیران نه تنها می‌توانند به کار تصریح (تعریف) دوباره اموری بپردازند که نیاز به پوشش دارند بلکه می‌توانند همین کار را در مورد همه امور، انجام دهند. با شروع تهیه فهرست از اموری که توسط روزنامه‌نگاران تعریف و برجسب‌گذاری می‌شود، روزنامه‌نگاری عمومی در بهترین اقدام خود به جامعه اجازه می‌دهد که خودش این مسائل را تعریف کند که این چیزی بیش از کنار گذاشتن شهروندان در «انتخاب‌های چندگانه» است، همان‌طور که چریتی (۳۸: ۱۹۹۵) منافع روزنامه‌نگاری عمومی را توصیف می‌کند. اتاق خبر در جست‌وجوی «پرسش‌ها و نگرانی‌هایی است که مربوط به مردم است نه این‌که آنها را وادار کند خودشان در صدد رفع نگرانی‌های خود باشند. بنابراین پروژه «تربیان سرپوشیده پیش‌رو (مقدم)» گواه این مطلب بود که در واقع هر مشکلی را که [شهروندان] به تعریف آن می‌پرداختند می‌توانست به تأثیرات

رشد سریع منطقه مربوط شود. این پروژه از سوی نشریه سیتل تایمز و گروهی از رسانه‌های عمومی در منطقه سازماندهی شد. مسأله «رشد» نه تنها به عنوان یک موضوع برجسته مطرح شد، بلکه راهی بود برای گردآوری مشخص و با مفهوم استعدادی از موضوعات و مسائل مربوط به هم.

با کمی تفاوت، مسأله رشد به مسأله دیگری در جامعه اشاره کرد و آن همان مطابقت بود. یعنی برای روزنامه‌نگاران فرصتی را فراهم آورد تا مسائلی را پوشش دهند که هرکسی آن را درک می‌کند و می‌خواهد به حل آن بپردازد. مسأله مطابقت، به یک نوع توافق در بین شهروندان اشاره کرد نه یک نوع تقسیم و عدم توافق که به‌طور معمول مورد توجه روزنامه‌نگاران واقع می‌شود.

### روایت یک گزارش متفاوت

هربرت گانز می‌گوید: اگر سیاست، مسأله «ویژه جهانی» روزنامه‌نگاری آمریکا باقی بماند، سیاستی خواهد بود که با توجه به دسیسه‌هایی که آنها را احاطه کرده، براساس واقعیت امور کمتر درک می‌شود. اگر چنین باشد، سیاست - سیاست منازعه - در بخش وسیعی برای قالب گزارش مهم در روزنامه‌نگاری آمریکا به کار گرفته می‌شود؛ یعنی همان مبارزه. مطالعه اخیر درباره تفاوت روزنامه‌های محلی و ملی، به این نتیجه رسید که مطبوعات در ایالات متحده: نشان می‌دهند که یک تمایل از پیش تعیین شده برای ارائه اخبار از دیدگاه مبارزه‌جویانه وجود دارد. سه قالب روایتی - مبارزه، برندگان و بازندگان و افشای خطاها ۳۰ درصد از کل گزارش‌ها را به خود اختصاص داد... تمایل به چارچوب‌گذاری قالب‌سازی گزارش‌ها براساس این ارکان مبارزه‌جویانه، حتی در بیشتر مواقع در بالای اولین صفحه رسماً اظهار می‌شود و زمانی که به شرح کارها و اظهارات مسؤولان دولتی می‌پردازد، جنبه صحیح‌تری هم پیدا می‌کند (پروژه برتری (عالی) در روزنامه‌نگاری ۱: ۱۹۹۹)

روزنامه‌نگاری عمومی، سیاست مبارزه را برای یک مبارزه متفاوت کنار می‌گذارد (رها می‌کند). روزن، این مبارزه را مبارزه برای کسب قضاوت عمومی می‌داند. همه گزارش‌های روزنامه‌نگاری عمومی در یک مسأله مشترک هستند و آن در نمایش عالی این مبارزه است. این نمایش با طرح این پرسش ساده مشخص می‌شود: «آیا جامعه موفق می‌شود یا پیروز؟ (روزن به نقل از چریتی ۸۵: ۱۹۹۵) پارسیسی به این مسأله کمی متفاوت نگاه می‌کند اما در اصل به همان نتیجه می‌رسد، یعنی او در نگاه به روزنامه‌نگاری عمومی خواهان آن است که «روایت عیب‌جویانه مبارزه و استراتژی» را جایگزین آن کند و به «زندگی دموکراتیک روح تازه‌ای

بیخشد» و در واقع از طریق «فعالیت‌گرایی محلی» به این هدف نایل شود. (۶۸۰۱: ۱۹۹۷)

تمرکز بر «فعالیت‌گرایی محلی» معنای واکنش خاص و صحیح در مواجهه با حل مشکلات است. هر چند برای نشریه سان بولتین در نیویورک، به معنای استفاده از یک لحن خوش‌بینانه در پوشش اقتصاد رو به زوال محلی است. معنای اول این واژه در برخی گزارش‌ها با یک عنوان فرعی و درعین حال طولانی آغاز شد.

در هشت سال گذشته، هزاران شغل را از دست داده‌ایم، قیمت خانه‌هایمان افزایش یافته و با دوستان و همسایگانمان خداحافظی کرده‌ایم. در افق‌ها اخبار خوبی وجود دارد اما در آسمان آینده ما هنوز نقطه تردیدی وجود دارد. ما به دنبال انجام کاری هستیم تا این جامعه دوباره قوی و مستحکم شود. ما به شغل‌های خوب و آینده‌ای برای فرزندانمان نیاز داریم. برای تغییرات لازم به کارهای سخت و ایده‌های خوب... نیاز هست. ما باید همه را به یک جهت حرکت دهیم... ممکن است شغل خود را از دست بدهیم ولی رویاهایمان با ما هستند. سال‌ها وقت و تلاش لازم است تا شهروندان به رویاهای خود برسند. این یک سفر طولانی و سخت است که از همین امروز شروع می‌شود. (فورد ۲۹: ۱۹۹۸)

در هر جامعه‌ای که از چنین پروژه‌ای استفاده می‌شود، آزمایش موفقیت آن به «نتایج خوب» آن بستگی دارد. وقتی که ژان شافر، مدیر اجرایی مرکز پیو در روزنامه‌نگاری شهری، برندگان جایزه باتن را در سال ۱۹۹۹ اعلام کرد، این نتایج خوب را به طور شفاف برشمرد:

«در مابین، ۷۰ طرح مطالعه در زمینه استعمال الکل صورت گرفت، در شهرهای توین بیش از ۲۵۰۰ نفر از مردم در باشگاه‌های کتاب و بحث‌های گروهی در مورد فقر با هدف اصلاح و تأمین آرامش، شرکت کردند. در سان فرانسیسکو هزاران نفر از مردم در جلسات گفت‌وگو درباره روابط رقابتی مشارکت داشتند که این دومین سال برگزاری آن بود. در نتیجه، در هر یک از جوامع، تنها راه گفت‌وگوی روزنامه‌نگاری سنتی (قدیمی) به یک گفت‌وگوی فعال مبدل شد که مدت‌ها بعد از سقوط روزنامه‌نگاری ادامه داشت.

در حالی که تقاضای نتایج خوب، به مبارزه برای یک نتیجه خاص مبدل می‌شود، از مطبوعات به خاطر طرفداری شدیدش از این ایده، انتقاد به عمل می‌آید، در حالی که روزنامه‌نگاری عمومی از آن اجتناب می‌ورزد. وقتی که سان جوز مرکزی نیوز طرحی را در سال ۱۹۹۴ برای افزایش تعداد رأی‌دهندگان ارائه داد، نتیجه خالص خیلی خوب نبود. به نظر روزن، افزایش اختلاف و نزاع به خاطر پیروزی حزب دموکرات در انتخابات بود. مرکزی نیوز به جمعیت خاصی اشاره کرد که آنها مهاجران و افراد فقیری بودند که بر همه مسلم بود... آنها به حزب دموکرات رأی خواهند داد» (روزن ۲۵۷: ۱۹۹۹)

### تعیین مکانی برای روزنامه‌نگاری عمومی

با وجود کارخانه‌ها، سمینارها، کنفرانس‌ها، مقالات و بیش از هشت کتاب که به توضیح «روزنامه‌نگاری عمومی» پرداخته‌اند، اما این پروژه، آشفته و مغشوش باقی مانده است. این مسأله، اهمیت دموکراتیک بودن را آشکار می‌سازد ولی هیچ تئوری خاصی از دموکراسی یا عمل دموکراتیک ارایه نمی‌دهد. هدف این پروژه روح بخشیدن به زندگی عمومی و تقویت جامعه است، اما در تعریف «عموم» یا جامعه ناتوان است یعنی نمی‌تواند تفاوت‌های مهم آنها را مشخص کند و ماهیت رابطه بین آنها را آشکار سازد. این پروژه، بحث و مشورت را تشویق می‌کند اما عدم شباهت‌های مهم در راه‌های پیشنهادی هر کدام از این دو را برای مشارکت، نادیده می‌گیرد. این طرح، راه‌های بهتری را برای ارائه گزارش توسعه می‌بخشد اما نه از طریق «یک تئوری اطلاعاتی و تمرین گزارش از حوادث آینده» که ضمانت جامعه و استحکام آن را بالا می‌برند و زندگی عمومی را ممکن می‌سازند. این پروژه امیدوار است که خوانندگان، بینندگان و شنوندگان را در بحث پیرامون ارزش‌های مشترک، شرکت دهد، اما هیچ طرحی برای «جلب توجه افراد بی‌توجه و مبارزه با تصور عدم حق رأی ندارد. این پروژه ایده‌های عموم را با ایده‌های افراد برابر می‌سازد و با تکیه بر آراء، این کار را انجام می‌دهد. همچنین خواهان آن است که به شهروندان معمولی قدرت ببخشد اما به‌طور آشکار به اظهارات کمی راجع به چگونگی نفوذ قدرت شهروندان در حل برخی مسائل پرداخته است، مثلاً چرا مردم به‌طور رسمی رأی نمی‌دهند.

تنها چندسال پیش، هیچ کس درست نمی‌دانست که روزن و دیگران چقدر خواهان آن بودند که بگویند روزنامه‌نگاری عمومی یک «حرکت ریشه‌ای اصلاحی» را با خود همراه داشت. این گفته به معنای این بود که این نوع روزنامه‌نگاری عمیق‌ترین تحول در خدمت به عموم به‌شمار می‌رفت. مدتی نگذشت که روزن کاملاً شناخته شد. روزنامه‌نگاری عمومی تنها می‌تواند در محیط بسیار محدودی کار کند که اکثر روزنامه‌نگاران در آنجا فعالیت می‌کنند. بنابراین نمی‌توان از آن انتظار داشت که به‌طور مؤثری مبارزه کند.

روزنامه‌نگاری عمومی یک قیام، یا حتی یک شورش کوچک‌تر علیه نیروهای ساختاری در کار نیست. همچنین نمی‌تواند مبارزه علیه رژیم تجاری را که مطبوعات آمریکا در آن فعالیت می‌کنند، تحمیل کند، همان‌طور که قبلاً چنین نکرد. از آنجا که این نوع روزنامه‌نگاری یک حرکت عظیم (طولانی) است، پس جست‌وجوی یک اقتصاد سیاسی جدید برای مطبوعات، اشتباه است.

شادسان طی یک سال و شاید کمتر از این مدت، به همین نتیجه دست پیدا کرد. او اشاره

کرد که روزنامه‌نگاری عمومی اصولاً یک الگوی جدید از روزنامه‌نگاری را در دموکراسی ارائه نمی‌دهد. بلکه برعکس، طرح‌ها و پیشنهادات روزنامه‌نگاری حفظ می‌شود به جای آن که تغییری در ارکان اصلی مطبوعات آمریکا به وجود آورد:

روزنامه‌نگاری عمومی سیستم‌های جدید مطبوعاتی را مطرح نمی‌کند. همچنین مطبوعات مدنی برای بررسی هیأت (مدیره) یا شورای عالی اخبار پیشنهاد نمی‌دهد و به‌طور آشکار ناشران یا دبیران انتخاب شده را توصیه نمی‌کند. از نظر رسمی یا غیررسمی، مطبوعات را در قبال دولت یا جامعه پاسخگو نمی‌داند. از مطبوعات سوئد در این زمینه تقلید نمی‌کند که دولت باید برای سازمان‌های جدیدی که به توسعه اختلاف دیدگاه‌ها می‌پردازند کمک هزینه‌ای در نظر بگیرد. منظور از این اختلاف دیدگاه‌ها، همان‌هایی است که در دسترس عموم خوانندگان قرار دارند. (۱۲۲: ۱۹۹۹)

شادسان در گزارش کوتاه خود می‌نویسد که روزنامه‌نگاری عمومی چه چیزی را پیشنهاد نکرده و از چه چیز حمایت نمی‌کند، او طرفدار روزنامه‌نگاری عمومی است به شرطی که در ایفای هر نقش در برابر دولت و اهداف آن در توسعه مطبوعات دموکراتیک، ساکت باقی بماند. این حقیقت خود می‌تواند گواه یک دیدگاه لیبرال‌گرایانه در دموکراسی باشد. دیدگاهی که دولت از تعهد آن برای آزادی افراد - مشتمل بر آزادی روزنامه‌نگاری - البته با احترام به استقلال معاملات شخصی - استفاده می‌کند. از آنجا که در ادبیات روزنامه‌نگاری عمومی هیچ وفاداری خاصی به اصول لیبرالیسم وجود ندارد، مطمئناً هیچ چیزی حامی این نوع دولت «کوچک» نیست در حالی که آزاداندیشانی همچون نازیک (۱۹۷۴) ترجیح می‌دهند که چنین باشد. با فرض این‌که دانشجویان با افشاندن بذر نقل قول‌ها و گفته‌های تئوری سیاسی کوچکی را پرورش می‌دهند که در ادبیات روزنامه‌نگاری عمومی وجود دارد. به نظر می‌رسد که روزنامه‌نگاری عمومی به برخی از (شکل‌های) جمهوری خواهی توجه دارد. در واقع این یک سنت در تفکر دموکراتیک است که طرح استاندارد لیبرال را مبنی بر این‌که افراد می‌توانند برتری‌ها، علایق، مفهوم استقلال و مهم‌تر از همه همکاری با دیگر افراد را کاملاً بشناسند، رد می‌کند.

با مراجعه به سندل، باربر، پوتنام، آرت و هابرماس، روزنامه‌نگاری عمومی ساختاری را برای امور حساس سیاسی و فرهنگی بنا گذاشت که هسته مرکزی آن را یکی از اظهارات جمهوری خواهی تشکیل می‌دهد: «حال می‌توانیم به‌طور همگانی یک کار خوب را بشناسیم در حالی که به تنهایی نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم». سندل مطمئناً توجه همیشگی از روزن و دیگران به طرف معاوضه جان دوی (۱۹۲۷) با والتر لیپمن (۱۹۲۲) که در اوایل سال‌های

قرن بیستم صورت گرفت مبین جدیت قابل ملاحظه دوی است. کوی تقریباً به تنهایی و از طریق مقاله مؤثرش که برای اولین بار در سال ۱۹۸۲ به چاپ رسید، به این بحث پرداخت و دوی به عنوان یک «جمهوری خواه» اعلام کرد که مردم خودشان باید بر خودشان حکومت کنند و از این جهت توانست اعتماد قابل توجهی را به خود جلب کند در حالی که لیمن متکبر، به عنوان یکی از نخبگان تحصیلکرده معتقد بود که تنها نخبگان تحصیلکرده می‌توانند به طور مؤثری بر جوامع پیچیده حاکمیت کنند. آنچه که دوی می‌خواست و آنچه که روزنامه‌نگاری عمومی از آن حمایت می‌کند، همان مشارکت گسترده در جامعه است. مشارکتی که در گفتار «دارای قدرت ارتباطی» مشترک و بکر و تازه باشد. (۱۹۲۷: ۲۱۸).

روزنامه‌نگاری عمومی به همان اعتماد همیشگی دوی در جامعه و ارتباطات گرایش دارد. یک نوع اعتقاد مبنی بر این که ارتباطات به تنهایی می‌توانند یک جامعه بزرگ خلق کنند (۱۳۳: ۱۹۲۷). با این حال، روزنامه‌نگاری عمومی توجه کمی به اعتماد یکسان دوی در بین ملت و دولتی دارد که آن را اداره می‌کند. هر چند دوی می‌دانست که یک ملت تنها از طریق مراقبت و انتقاد همیشگی شهروندان از مسؤولان می‌تواند به انسجام و سودمندی دست پیدا کند (۶۹: ۱۹۲۷) او همچنین می‌دانست که وقتی ملت قدرت را به دست گیرد، منابع می‌بایست، مساوات را در شرایط اقتصادی به وجود آورند تا حق تساوی برای همه در انتخاب آزاد و اقدامات آزاد فراهم شود. (۱۶۲: ۱۹۳۹). اگر برچسب‌ها به کمک بیایند، دوی مثل بسیاری از جمهوری خواهان یک سوسیالیست بود. نه یک الگوی ظالمی که حامی یک نوع فردگرایی جزئی باشد بلکه برتری او به خاطر ایده او مبنی بر «توسعه برنامه‌ریزی شده و مرتب شده» است نه یک «ترتیب‌گذاری بدون برنامه» که رهبران تجاری برای سودمالی خود از آن بهره می‌برند. (۱۹۲۹: ۱۱۹، ۲۰).

او همچنین یک جفرسون است که اصل جفرسون را مبنی بر «تساوی حقوق بدون توجه به هیچ‌کس» تحسین می‌کند. دوی نوشت این اصل به این معناست که «در جنگ میان حقوق شخصی و حقوق مالی، حقوق شخصی ارجحیت دارند». (دوی، ۱۶۲: ۱۹۳۹). مخصوصاً آنچه که مدنظر دوی بود و همچنین آنچه که به نظر می‌رسد ماورای حدود روزنامه‌نگاری عمومی باشد، همان نیروهای کاملی هستند که او این نیروها را با «سرمایه انبوه و کنترل متمرکز شده» همراه کرده است. (۳۷: ۱۹۲۹). دوی در یک مقاله تحت عنوان «ایالات متحده، یکی‌سازی» که نیم قرن پیش آن را به رشته تحریر درآورد، برای وضعیت آمریکا که طی سال‌های اخیر به طور قابل ملاحظه‌ای بدتر شده است اظهار تأسف کرد: «شرایط صنفی حاکم» و «تجزیه

شخصیت» اصطلاحاتی است که او برای اظهار تأسف خود از آنها استفاده کرد (دوی ۶۶: ۳۶-۱۹۲۹). دوی شاهد «افزایش مداوم نقش شرکت‌ها» هم به عنوان یک مسبب و «هم به عنوان سمبل تمایل برای ترکیب در همه مراحل زندگی» بود. (۳۶: ۱۹۲۹)؛ در متونی که امروزه به رشته تحریر در آورده‌اند، او درباره «فشار زیادی هشدار می‌دهد که در حال حاضر برای تأثیر بر مطابقت و استانداردسازی ایده آمریکایی» و به‌طور کلی برای بی‌احساس کردن روابط اعمال می‌شود. (۸۶ و ۸۳: ۱۹۲۹)

روزنامه‌نگاری عمومی بدون توجه جدی و مداوم به بخشی تحت عنوان اقتصاد سیاسی روزنامه‌نگاری آمریکایی که ظاهراً دور از دسترس است، هیچ فرصتی را برای مقابله با آنچه که بیشتر روزنامه‌نگاران آمریکا آن را بزرگ‌ترین تهدید برای کیفیت مطبوعات آمریکا می‌دانند، در نظر نمی‌گیرد و این تهدید همان سود خصوصی از خدمت‌رسانی به مردم است. کری (۱۹۹۹) در مقاله‌ای که در دفاع از روزنامه‌نگاری عمومی نگاشته است، با یادآوری این مسأله به شدت بر آن تأکید می‌ورزد. به این معنا که آن «اراده جمهوریخواه که در پشت روزنامه‌نگاری عمومی وجود دارد» بر پایه این اعتقاد است که «آزادی چیزی بیش از حمایت حقوق در برابر جامعه، و نگهداری آزادی برای انتخاب سبک زندگی ماست، همان‌طور که در سوپرمارکت سعی داریم تا اجناس مرغوب را انتخاب کنیم». آزادی «بیش از هر چیز» مشتمل بر مشورت با شهروندان درباره سود مشترک و همچنین کار در کنار هم برای شکل دادن سرنوشت جامعه سیاسی‌شان است (۶۱: ۱۹۹۹)

کری بعدها چند صفحه‌ای راجع به مواردی نوشت که روزنامه‌نگاری در اجرای آنها ناتوان است: «آیا معانی تاریخی آزادی سیاسی و مطبوعات آزاد را می‌توان طوری در مرزها نگاه داشت تا جداکننده روزنامه‌نگاری و تجارت، شرکت و اتاق خبر باشد؟» با وجود این تناقض‌ها، در حال حاضر این پرسش در مورد مطبوعات آمریکا اهمیت خاصی دارد. (۶۵: ۱۹۹۹).

اگر لازم است که مطبوعات به شکل یک مؤسسه مهم دموکراتیک فرض شود و اگر مطبوعات تعهدات دموکراتیک خود را براساس فراهم آوردن زمینه‌ای برای «بحث تمام نشدنی» در مورد حاکمیت مردم بر خودشان تعریف می‌کند، پس مطبوعات حمایت ویژه‌ای را از ملت به عمل می‌آورد. البته مطبوعات به این شکل از مؤسسه و تعهدات دموکراتیک اعتقاد دارد. این حمایت مطبوعات از ملت به خاطر این نیست که روزنامه‌نگاران حق دارند آن را بشنوند بلکه به خاطر این است که مردم دارای این حق هستند.

از نظر منطقی، همان‌طور که بیکر (۱۹۹۹: ۲۰۰۲) در اظهارات اخیر خود در مورد رابطه بین سیاست‌های دولت و هدف روزنامه‌نگاری توضیح می‌دهد، این مسأله توجه به نقش‌های مثبت را برای ملت می‌طلبد و بنابراین رد هرگونه حاکمیت موجود را بین روزنامه‌نگارانی که از ایفای هرگونه نقش برای ملت هراسان هستند، الزامی می‌داند یعنی همان تفسیرهای قانونی که راه مقررات و مداخله دولتی حاکم بر مطبوعات را مسدود می‌کنند. همان‌طور که بیکر به لزوم توجه به روزنامه‌نگاری عمومی اشاره می‌کند، یادآوری می‌کند که اگر بخواهیم آن را رد کنیم، پذیرفتن این طرح که دولت هیچ نقش قانونی در توسعه یا توقف گفتار شخص ندارد - معنی پذیرفتن این ایده نیست که دولت هیچ نقش قانونی در توسعه و طرح اصولی برای مطبوعات ندارد که این گفته بر مشارکت متمایز و مطلوبی تأیید می‌کند که روزنامه‌نگاران باید با استفاده از آن، یک جامعه دموکراتیک بسازند. بیکر برای درک این حقیقت که نه تنها دولت بلکه پایتخت هم می‌تواند آزادی مطبوعات را تهدید کند. «اضافه می‌کند که آزادی مطبوعات باید درک شود تا به دولت اجازه دهد که مطبوعاتی را توسعه دهد که در آرمانی‌ترین شکل خود به دموکراسی نیاز دارد اما بازار، چنین امکانی را برایش فراهم نمی‌کند. (۲۰۰۲: ۲۱۳). □

این مقاله، ترجمه فصل سوم کتاب زیر است:

Theodore L. Glasser & Francis L.F. Lee, "Political Journalism", (1992, Sage Publications).

### پی‌نوئیس‌ها:

۱. این متن براساس چندین مقاله منتشر شده، تألیف شده است. (Glasser ۱۹۹۹, ۲۰۰۰, Glasser and Craft ۱۹۹۷, ۱۹۹۸).
۲. مراجعه کنید به (Rosen, ۱۹۹۲) برای بحث در مورد منابع پروژه.
۳. اصطلاح «روزنامه‌نگاری شهری» توسط (سپرده‌های خیرخواهانه پیو (Pew Durable Trusts)) به‌کار گرفته شده است که در سال ۱۹۹۳ برای مرکز پیو با هدف روزنامه‌نگاری مدنی سرمایه‌گذاری کرد، اما این اصطلاح کمابیش مترادف «روزنامه‌نگاری عمومی» به‌کار می‌رود.
۴. مراجعه کنید مثلاً، به کار «مأموریت برای آزادی مطبوعات»، گروهی از دانشجویان که هنری لوس، مؤسس و سپس ناشر مجله تایم، در سال ۱۹۴۲ روی آنها سرمایه‌گذاری کرد. این مجله ابتدا بدنام شد و کم‌کم از صحنه مطبوعات کناره گرفت، یافته‌های اصولی هاجنیز کامیژن (بعد از آنکه لوس، رابرت مینارد هاجنر را به عنوان ریاست دانشگاه شیکاگو برگزید، این یافته‌ها به این نام لقب گرفتند) در کتاب (Lelgh ۱۹۴۷) به شکل خلاصه ارائه شده است. برای ارزیابی هاجنیز کامیژن و کارهایش مراجعه کنید به (McIntyre ۱۹۸۷).
۵. مراجعه کنید به (Didion ۱۹۸۸) به منظور انتقاد مشابه از مبارزه و رفتار روزنامه‌نگاران با آن.
۶. برای بحث پیرامون منطق و نتایج زبان غیرمستقیم در روزنامه‌نگاری آمریکا مراجعه کنید به (Ettena and Glasser) (۱۹۹۸) و (۱۹۹۳) و (Glasser and Ettena ۱۹۹۳).



۷. فشمَن (۱۹۸۰، ۱۹۲) Fishman توضیح می‌دهد افرادی که خواهان نفوذ هر چه بیشتر خود در بین عموم هستند در حوزه تأیید شده خود، برای گزارشگران ضربتی همچون افراد صالح و نگهدارندگان مقتدر دانش محسوب می‌شوند: «اطلاعاتی که از طریق آنها سازمان‌دهی، تولید و تهیه می‌شود، حقایقی محکمی هستند». این اطلاعات همان محتوای گزارش مستحکم را می‌سازند علی‌رغم گزارشگران تحقیقی و دیگر گزارشگرانی که کار آنها نیاز به تفکرات مستقل با توجه به صحت اطلاعاتی که دریافت می‌کنند، گزارشگران ضربتی معمولاً «به پوشش اظهاراتی می‌پردازند که دارای ارزش اعتباری باشد». (اتما و گلاسر ۱۵۹: ۱۹۹۸).
۸. اما پاریسی از روزنامه‌نگاری عمومی به خاطر تأکید آن روی فعالیت‌گرایی محلی انتقاد می‌کند با تمرکز کامل روی جامعه و نگرانی‌های آن، روزنامه‌نگاری عمومی توجه کمی به آن چیزی دارد که پاریسی آن را امور عمومی می‌نامد که مافوق جوامع محلی است، مثلاً سلامت عموم.
۹. نوزیک اصطلاح خود را یعنی «دولت کوچک» توضیح می‌دهد، دولتی که نقش خود را برای حمایت از همه شهروندانش علیه خشونت، دزدی و کلاهبرداری، اجبار برای انجام کارهای خلاف و غیره، انجام نمی‌دهد. (۱۹۷۴: ۲۶).
- نوزیک اظهار می‌دارد که «هر نقش بزرگ‌تر برای دولت تنها آزادی ما را برای انتخاب زندگی مان و رسیدن به اهداف و درک خودمان» محدود می‌کند.

## منابع:

- آرنت اچ (۱۹۵۸) شرط بشر: (یونیورسیتی آوشیکاگوپرس) بیکر، سی. ای، مطبوعات، بازارها و دموکراسی، کمبریج، کمبریج یونیورسیتی پرس.
- باربر، بی، دموکراسی قوی، برکلی، یونیورسیتی آوکالیفرنیا پرس.
- بادریلارد، جی. نوشته‌های منتخب، جح. ام بوستر، استنفورد، کالیف، استنفورد یونیورسیتی پرس.
- کری، جی. دلبیو مطبوعات و سخنرانی عموم، مجله مرکزی، مارس و آوریل: ۴-۱۶.
- کری، جی. دلبیو-ارتباطات و فرهنگ: مقاله‌ای در زمینه مطبوعات و جامعه، بوستون: آنوین هیمان.
- کری، جی. دلبیو (۱۹۹۵) «مطبوعات، ایده عموم و سخنرانی عمومی» در TL گلاسر و C.T. سالمون (ds)، ایده عموم و ارتباطات رضایت‌بخش. نیویورک: گیلفوردپرس.
- کری، جی. دلبیو (۱۹۹۹) «در حمایت از روزنامه‌نگاری عمومی»، در TL گلاسه (Ved) ایده روزنامه‌نگاری عمومی، نیویورک: گیلفوردپرس.
- چریتی، ای. انجام روزنامه‌نگاری عمومی، نیویورک: گیلفورد پرس.
- کریستین، سی و فاکلر. اخبار خوب، اخلاقیات اجتماعی و مطبوعات، نیویورک: آکسفورد یونیورسیتی پرس.
- دوی، جی. عموم و مشکلات آن: شیکاگو. سوالو پرس.
- دوی، جی.، فردگرایی قدیم و جدید، نیویورک کاپریکورن بوکس.
- دوی، جی. آزادی و فرهنگ، نیویورک: کاپریکورن بوکس.
- دیدون، جی. «بیسبال داخلی»، مرور کتاب‌های نیویورک، ۱۹ اکتبر: ۲۴-۲۱، ۲۴-۲۶، ۲۸-۳۰.
- اتما، جی اس و گلاسه T.L (۱۹۹۸) نگاهی‌انان هوشیار: روزنامه‌نگاری تحقیقی و عفت عمومی، نیویورک، کلمبیا یونیورسیتی پرس.
- اتما، جی. اس گلاسه T.L (۱۹۹۴) زبان غیرمستقیم در روزنامه‌نگاری: «مطالعه موردی در زبان لیبرال دموکراسی»، روزنامه

- اتما، جی. اس. و پیرال گلاسه T.L (۱۹۹۶) «اخبار خوب از همسایه بعد»: چاره‌ای برای موضوع ناخوشی شناسی مدنی، مجله سه ماهه روزنامه‌نگاری و ارتباطات همگانی ۷۳/۴: ۸۳۵.۵۶.
- فالو، جی. قطع اخبار: مطبوعات چگونه می‌توانند دموکراسی آمریکا را تضعیف کند، نیویورک، وینتاز بوکس.
- فیشرمن، ام. ساخت اخبار، آستین: یونیورسیتی آو تگزاس پرس.
- فورد، پی. آنجا توقف نکنید: پنج حکایت در روزنامه‌نگاری مدنی، واشنگتن، د. سی. مرکز پیو برای روزنامه‌نگاری مدنی.
- گانز، اچ. اخبار چیست: مطالعه اخبار شب CBS، اخبار شبانه NBC، نیوزویک و تایمر، نیوزویک: رندون هوس.
- گارتز، ام. «روزنامه‌نگاری عمومی» - نگاهی به آن از طریق شوخی. در E.B. لمبیس. PE. میر و E تورسون (eds)، ارزیابی روزنامه‌نگاری عمومی، کلمبیا: یونیورسیتی آو میسوری پرس.
- گیتلین، تی. «تغییرات موقت، گفت‌وگوی گزنده و عالمانه». اختلاف، زمستان، ۱۸.۲۶.
- گلاسر، تی. ال (۱۹۹۹) «ایده روزنامه‌نگاری عمومی»، در T.L گلاسر (ed)، ایده روزنامه‌نگاری عمومی، نیویورک، کیلفورد پرس.
- گلاسر، تی. ال (۲۰۰۰) «سیاست روزنامه‌نگاری عمومی» مطالعات روزنامه‌نگاری ۱:۶۸۳.۶.
- گلاسه، تی. ال و کرافت. اس (۱۹۹۷) «روزنامه‌نگاری عمومی و ویژگی‌هایی برای مسئولیت (تعهد) مطبوعات».
- در جی. بلک (ed) و میکسد نیوز. بحث روزنامه‌نگاری عمومی / مدنی لارنیاپات ماوا، بپ، اربلام.
- گلاسه، تی. ال و کرافت. اس (۱۹۹۸) روزنامه‌نگاری عمومی و تحقیقی برای آرمان‌های دموکراتیک در (eds)، مطبوعات، دین و هویت، لندن: روتلج، گلاسه، تی. ال و اتما، جی. اس (۱۹۹۳) «وقتی حقایق خودشان صحبت نمی‌کنند: مطالعه استفاده از زمان غیرمستقیم در روزنامه‌نگاری هر روزه»، مطالعات انتقادی در ارتباطات همگانی ۱۰: ۳۲۲.۳۸.
- گالدنر، ای. دبلیو. منطقی ایدئولوژی و تکنولوژی: منابع، دستور زبان، و آینده ایدئولوژی، نیویورک: سیربی پرس.
- هابرماس، جی. تغییر ساختاری حوزه عمومی: تحقیقی درباره یک ویژگی جامعه بورژوا، کمبریج، مس شبپ پرس.
- هاکت، آزادی و زائو. وی. «هدف روزنامه‌نگاری و تغییر اجتماعی»، بررسی صلح ۵۰۱: ۸/۱.
- هالین، دسی. «متوسط اخبار آمریکا». دورنمای تئوری مهم، در تئوری مهم (انتقادآمیز) زندگی عمومی، کمبریج، مس: MIT پرس.
- هارت، اچ. دعوت دوباره از مطبوعات برای عصر تقاضاهای تجاری: نوشته‌هایی در مورد روزنامه‌نگاری عمومی، ایده روزنامه‌نگاری عمومی، نیویورک: لیگفورد پرس.
- هوم: ای. اثرات واژگون سازنده تمرکز روی استراتژی در پوشش اخبار مربوط به مبارزات ریاست جمهوری، رئیس جمهور ۱۸۰۰: گزارشی از نیروی مالی (صندوق) قرن بیستم بر تلویزیون و مبارزه ۱۹۹۲، نیویورک: صندوق قرن بیستم.
- جانسون، اس. «روزنامه‌نگاری عمومی و ساختار اتاق خبر: کلمبیا مدل اس. سی، ارزیابی روزنامه‌نگاری عمومی، کلمبیا، یونیورسیتی آو میسوری پرس.
- لی. آرد. دی. یک مطبوعات آزاد و پاسخگو، شیکاگو: یونیورسیتی آو شیکاگو پرس.
- لیمن، دبلیو. ایده عمومی، نیویورک: فری پرس.
- مک اینتایر، جی. گذشتن یک علامت: مأموریت هاجینز و آزادی مطبوعات، مطالعات مهم در ارتباطات همگانی، ۴: ۱۳۶.۶۰.
- مریت، دی. «دورنمای یک سردبیر»، در تصویر روزنامه‌نگاری عمومی.

یک سردبیر و دانشجو هرکدام ایده‌های جدیدی دارند، بلومینگتون: دانشگاه روزنامه‌نگاری هند.  
مریت، دی. روزنامه‌نگاری عمومی و زندگی عمومی. چراگفتن اخبار کافی نیست، هیلدس دیل. البام.  
میر، پی. ای و پاتر، دی. «ارزش‌های پنهانی»: آرا و روزنامه‌نگار عمومی، در آرا انتخابات، اخبار و دموکراسی، نیویورک، چاتام  
موس.

نوزیک، آر. ملت، هرج و مرج و یوتوپیا، نیویورک: بیسیک بوکس.  
پاریسی، پی. گرایشی به «فلسفه قالب‌سازی»، حکایت‌های اخبار برای روزنامه‌نگاری عمومی، روزنامه‌نگاری و روزنامه سه ماهه  
ارتباطات همگانی.

پیترسون، تی. ای. انتخابات مطبوعات: آمریکایی‌ها چگونه رئیس‌جمهوری‌های خود را انتخاب می‌کنند، نیویورک: پریچر.  
پلی، جی. «روزنامه‌نگاری و روانشناسی زندگی عمومی»، در **TL گلاس (ed.)**، ایده روزنامه‌نگاری عمومی، نیویورک:  
گیلفوردپرس.

مرکز پیو برای روزنامه‌نگاری مدنی (جولای ۱۹۹۶)، انقلاب مدنی، نیوزلتر.  
مرکز پیو برای روزنامه‌نگاری مدنی (بهار ۱۹۹۸)، انقلاب مدنی، نیوزلتر.  
مرکز پیو برای روزنامه‌نگاری مدنی (تابستان ۱۹۹۸)، انقلاب مدنی، نیوزلتر.  
مرکز پیو برای روزنامه‌نگاری مدنی (تابستان ۱۹۹۹)، انقلاب مدنی، نیوزلتر.  
پست، آر. رهبری اندیشه، سرگردانی گفت‌وگوی دموکراتیک، اخلاقیات، ۱۰۳۰۶۵۴۰۷۸.  
پروژه‌ای در مورد برتری در روزنامه‌نگاری (۱۹۹۹) «چارچوب (قالب) گذاری برای اخبار: عاملان، قالب‌ها و پیام‌هایی در پوشش  
روزنامه، مطالعه پروژه‌ای در مورد برتری در روزنامه‌نگاری و پرنیستون سوی

ریسرج آسوشیتدپرس، واشنگتن، D.C.  
پوتنام، آر. دی. ساخت کار دموکراسی: سنت‌های مدنی در ایتالیای مدرن (نوین).  
پرنیستون، پرنیستون یونیورسیتی پرس.  
پوتنام، آر. دی (۱۹۹۵) خزیدن به انزوا: کاهش سرمایه اجتماعی آمریکا، روزنامه دموکراسی ۶/۱:۶۵-۷۸.  
رومانو، سی. چه کسی صاحب مطبوعات است؟ مظرورن، ۲۴ ژانویه: ۲۵-۳۰.  
روزن، جی (۱۹۸۹). آینده «روزنامه» بستگی دارد به شکل دادن روندها در مورد مردم که چگونه زندگی می‌کنند. مجله جامعه  
سردبیران روزنامه آمریکا، دسامبر ۱۹۰۱۹.

روزن، جی (۱۹۹۱) «عمومی کردن روزنامه‌نگاری»، ارتباطات ۱۲: ۲۶۷-۸۴.  
روزن، جی (۱۹۹۴) «عمومی تر کردن چیزها: در مورد مسئولیت سیاسی روشنفکری مطبوعات». مطالعات مهم در مورد ارتباطات  
همگانی ۱۱: ۳۶۳-۸۸.

روزن، جی. (چ ۱۹۹۵). دور نمای یک دانشجو در تصویر روزنامه‌نگاری عمومی: یک سردبیر و دانشجو ایده‌های جدید خود را  
ارائه می‌دهند، بلومینگتون: دانشگاه روزنامه‌نگاری هند.

روزن، جی. (چ ۱۹۹۵). روزنامه‌نگاری عمومی کجاست؟ تحقیقی در مورد یک جریان جدید، مقاله‌ای که برای پروژه زندگی  
عمومی و پرس اسپرینگ سمینار ارائه شد، مؤسسه امریکن، پرس، رستون، ویرجینیا، ۲۵ مارس.

روزن، جی. کسب حقوق ارتباطات. روزنامه‌نگاری عمومی و مشکلات در مطبوعات نیویورک، صندوق قرن بیستم.  
روزن، جی. (۱۹۹۹b) «روزنامه‌نگاری عمومی شما را به مبارزه دعوت می‌کند (بله، شما)» بررسی شهری ملی: ۸۵: ۳-۶.

روزن، جی. (۱۹۹۶a) «عملکرد ایده: روزنامه‌نگاری عمومی در شکل ساخته شده»، در T.L.T/C(5b) ایده روزنامه‌نگاری عمومی، نیویورک: گیلفورد پرس.

روزن، جی. ۱۹۹۵b روزنامه‌نگاران برای چه هستند؟ نیهاون (بهشت جدید)، بل یونیورسیتی پرس.

روزن، جی. (۲۰۰۰) «سوالات و جواب‌ها در مورد روزنامه‌نگاری عمومی»، مطالعات روزنامه‌نگاری، ۱:۶۷۹-۸۳.

روزن، جی. و هریس، دی (۱۹۹۴). روزنامه‌نگاری عمومی: تئوری و عملی، دیتون، OH: سازمان کترینیک.

سندل، ام. جی. (۱۹۸۲) لیبرالیسم و محدودیت‌های قضاوت، نیویورک: کمبریج یونیورسیتی پرس.

سندل، ام. جی. (صحیح) (۱۹۸۶) لیبرالیسم و انتقادهای آن، نیویورک یونیورسیتی پرس.

شادسان، ام (۱۹۹۹) روزنامه‌نگاری عمومی درباره روزنامه‌نگاری می‌داند اما درباره عموم چیزی نمی‌داند، در 5d، ایده روزنامه‌نگاری عمومی، نیویورک: گیلفورد پرس.

نامسون جی.بی (۱۹۹۵) مطبوعات و تجدد: یک تئوری اجتماعی در مور مطبوعات، استفورد، کالیف: استفورد یونیورسیتی

پرس.

تاچمن، جی (۱۹۷۸)، ساخت اخبار: مطالعه‌ای در مورد ساختار واقعیت، نیویورک: فری پرس.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی